

مطالعه کیفی جهانی شدن و تغییرات خانواده در شهر زنجان

سیده زهرا میر محمد رضایی^۱، باقر ساروخانی^۲، حسن سرایی^۳
تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۶ تاریخ تأیید: ۹۵/۶/۴

چکیده

جهانی شدن پدیده‌ای است چند بعدی که هر یک از ابعاد آن می‌تواند بر نهاد خانواده تأثیرگذار باشد. خانواده در جهان امروز، بیش از گذشته در معرض تغییر و دگرگونی است. این مطالعه با هدف درک چگونگی تفسیر مردم در خصوص چگونگی تغییرات خانواده در شهر زنجان به تأثر از جهانی شدن صورت گرفته است. داده‌های این پژوهش به روش کیفی و با رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی و طرح تحقیق مردم‌نگاری با استفاده از فنون مصاحبه عمیق به روش نمونه‌گیری هدفمند با ۳۵ نفر از اعضای خانواده های شهر زنجان گرد آوری و سپس از طریق روش تحلیل تماتیک مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان دادند که جهانی شدن پیامدهای دوگانه‌ای بر ساختار و کارکردهای خانواده‌ها بر جای نهاده است، با ورود عناصر جهانی مردم به شیوه‌های متفاوتی با آن برخورد داشته‌اند. خانواده‌های زنجان نیز این تغییرات را البته نه به همان شدت، تجربه می‌کنند. در این میان تکنولوژی‌های ارتباطی به عنوان کاتالیزور روند این تحولات را تسریع بخشیده‌اند. بنابراین جهانی شدن فقط نیروی خارجی نیست که بر ما اثر می‌گذارد، بلکه ما نیز در آن سهیم هستیم و راه مواجهه با آن در هر جامعه‌ای بر اساس پیشینه‌های تاریخی، اجتماعی و شرایط اقتصادی و ارزش‌های فرهنگی، متفاوت از سایر جوامع است. لذا خانواده‌های زنجان با مقاومت در برابر جهانی شدن تحولاتی از نوع ایرانی - غربی را تجربه می‌کنند که متفاوت از تغییرات خانواده در دیگر جوامع تأثیرگذار است.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، تغییرات خانواده، مردم‌نگاری، تحلیل تماتیک، زنجان.

^۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی گروه‌های اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.
mirmohammadrezaei@yahoo.com

^۲. هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، ایران (نویسنده مسئول)
b.saroukhani@yahoo.com

hsaraie@yahoo.com

^۳. هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

مقدمه و طرح مسئله

در این موضوع تردیدی نیست که تحول خانواده یکی از مسائل و موضوعات مهم در دنیای معاصر است. تغییرات خانواده همواره مورد توجه اندیشمندان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی بوده است. این در حالی است که خانواده در جهان امروز، بیش از گذشته در معرض تغییر و دگرگونی است. پژوهش‌های جامعه‌شناختی نشان می‌دهد که تغییر جوامع، ماهیت خانواده را تغییر داده است. لذا نمی‌توان از خانواده به عنوان یک امر تغییر ناپذیر و ایستا صحبت کرد. دگرگونی در خانواده موجب تحول در «مسیر زندگی» و «تجربه زیستی» تک‌تک انسان‌ها شده است. جهانی شدن و تجدد به دلیل واسطه‌هایی، چون سواد، شهرنشینی، میزان مسافرت‌های خارجی و تکنولوژی‌های نوین ارتباطی، تحول را در نهاد خانواده پذیرا می‌کنند و در یک تقابل دیالکتیکی بین سنت و تجدد، الزام اجتماعی کاهش می‌یابد؛ در نتیجه هنجارهای سنتی نیز به شدت تضعیف می‌شوند (علی احمدی و کریم سرا، ۱۳۹۲).

جهانی شدن بعنوان پدیده‌ای ناگزیر در نظر گرفته شده که دور ماندن از آن در جهان امروزی که کوچکترین واقعه در یک نقطه از جهان در دورترین نقطه از آن تأثیر خواهد گذاشت بسیار دور از ذهن می‌نماید. از طرفی جهانی شدن در قالب فرایند، از قدیم بوده و به عصر حاضر اختصاص ندارد و به واقع تعاملات فرهنگی بین دولت‌ها و ملت‌ها است. همیشه نظام‌ها و ارزش‌های افراد در تعاطی قرار می‌گیرند به این معنا جهانی شدن به عنوان یک فرایند است. در جامعه معاصر، جهانی شدن به طور مستقیم و غیرمستقیم بر زندگی خانوادگی از طریق استراتژی‌ها و برنامه‌های ایجاد شده توسط سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد. خانواده ایرانی در مقایسه با دیگر نهادهای اجتماعی تغییرات بنیادی‌تری یافته است. کمتر کسی است که باور به تغییرات خانواده نداشته باشد. شواهد آماری، اجتماعی و فرهنگی بیانگر افزایش سن ازدواج، کاهش نرخ باروری، افزایش انتظار از زندگی، کاهش درخواست فرزند خواهی و... همه حکایت از تغییر در خانواده دارد (لبیبی، ۱۳۹۳: ۵۷).

به این ترتیب جهانی شدن را باید به عنوان نوعی پروسه نهاد ساز زیستی- اجتماعی درک کرد. به تعبیر گیدنز در میان تغییراتی که این روزها در جریان است، هیچکدام به اندازه اتفاقاتی که در زندگی شخصی، روابط جنسی، حیات عاطفی، ازدواج و خانواده در حال وقوع است اهمیت ندارد. در خصوص اینکه ما چگونه درباره خود فکر می‌کنیم و چگونه با دیگران پیوند و رابطه برقرار می‌کنیم، انقلابی در جریان است، این انقلاب در مناطق و فرهنگ‌های گوناگون با سرعت‌های مختلف و با مقاومت‌های بسیار در حال پیشرفت است. شروع تغییرات و تحولات فرهنگی در طی دهه‌های اخیر اذهان بسیاری از متفکرین و مسئولین را متوجه این سؤال کرده

است که وضعیت عناصر سنتی نظام فرهنگی جامعه ایرانی در حال حاضر چگونه است؟ متفکران عرصه اجتماعی بر این باورند که تغییرات نظام اجتماعی و دگرگونی‌های ارزشی، در محدوده زمانی، اصلاً ملموس نیست اما با گذشت زمانی نه چندان طولانی مردم و مسئولین جامعه متوجه می‌شوند که کجا بوده‌اند و اکنون کجا هستند (شکریگی، ۱۰۹:۱۳۹۰).

بر همین اساس، خانواده که نهادی است اجتماعی، تحت تأثیر فرایند جهانی شدن، تحولاتی را تجربه کرده که آن را در تعارض با خانواده سنتی قرار داده است. بنا بر این مقاله حاضر درصدد است با استفاده از رویکرد تفسیری و روش تحلیل موضوعی به بازسازی معنایی تغییرات خانواده متأثر از فرایند جهانی شدن در میان خانواده‌های شهر زنجان بپردازد تا بتواند تفاسیر موجود از تجربه زیسته و روزمره تغییرات خانواده را در میان افراد مذکور بررسی نماید. در این ارتباط پرسش بنیادی این مطالعه آن است که مردمان شهر زنجان تغییرات خانواده متأثر از جهانی شدن را در دو دهه اخیر چگونه درک و تفسیر می‌کنند. در جریان معنا سازی از این تغییرات چه مفاهیم، موضوعات و ایده‌هایی برای ساکنان این جامعه مطرح شده است؟

اهمیت و اهداف

اهمیت و ضرورت نهاد خانواده در پژوهش‌های مختلفی از نظر پاسخگویان بیان شده است، اگر به بررسی یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور با عنوان «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» که در پائیز ۱۳۸۰ صورت گرفت و بیانگر اهمیت نهاد خانواده از دید مردم ایران است، نگاهی به درصدها بیندازیم متوجه اهمیت این نهاد دیرپا و صمیمی در ایران می‌شویم. در پاسخ به این سؤال که نهاد خانواده چقدر برای شما اهمیت دارد، نتایج نشان‌دهنده این است که در شهرهای (اراک، ۹۷/۶)، (اردبیل، ۹۷/۱)، (ارومیه، ۹۸)، (اصفهان، ۹۶/۲)، (اهواز، ۹۷/۵)، (ایلام، ۹۸/۲) خانواده دارای اهمیت است، سایر نتایج به دست آمده هم، مشابه درصدهای فوق می‌باشد که نشان دهنده اهمیت نهاد خانواده از دید مردم ایران است و اینکه حفظ کیان آن از هر چیزی مهمتر به نظر می‌رسد، چرا که نهاد خانواده همچنان اهمیت خود را با (حدود ۹۹ درصد) از دیدگاه مردم ایران حفظ کرده است (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰).

تغییر و تحولاتی که در غرب به مثابه مدرنیته و جهانی شدن اتفاق افتاده است، پیامدهایی را از طریق دنیای اطلاعات و ارتباطات بر سایر نقاط دیگر جهان به جای گذاشته است و چون همه این تحولات از درون نیست و به جوامعی که وارد می‌شود، فرهنگ‌سازی نشده، بحران‌هایی را در زندگی مردم جهان بوجود آورده است و در این میان، جامعه ایران نیز از این تحولات دور نبوده است. به نظر می‌رسد در ایران زندگی فرهنگی بیش از سایر حوزه‌های زندگی اجتماعی، تغییراتی را از سر گذرانده و بعضی تحولات اجتماعی راه را برای ظهور گروه‌های اجتماعی با

جهان‌بینی متفاوت و خواسته‌های متنوع باز کرده است (شکر بیگی، ۱۳۹۰: ۱۰۷).
 بالطبع این تحول و دگرگونی به دلیل فرهنگی بودنش بیش از همه جا اثر خود را در کانون خانواده به جای می‌گذارد. از آنجایی که هر نوع تغییری در جامعه ایرانی ریشه در خانواده دارد. اصلی‌ترین تغییرات در نظام اجتماعی ایران، یا به واسطه خانواده محقق شده یا اینکه جهت‌گیری آن معطوف به خانواده بوده است. از طرفی خانواده بیش از دیگر نهادهای اجتماعی متأثر از جریان تغییرات جامعه است (ارمکی، ۱۳۸۶: ۳).

دیوید چیل می‌گوید: خانواده دقیق‌ترین و شفاف‌ترین نهاد اجتماعی است که حوادث بزرگ و تاریخی جهان را انعکاس می‌دهد. به اعتقاد گورویچ، خانواده پدیده‌ای است که هر لحظه در حال دگرگونی بوده و از فراگردهای «ساخته شدن»، «از ساخت افتادن» و «بازساختی شدن» برخوردار است. با گذشت زمان و ورود ایران به مرحله‌ای خاص از پیشرفت و با عنایت به پیامدهای ناخواسته جهانی شدن، ضرورت توجه به وضعیت خانواده ایرانی بیش‌تر مشخص می‌شود زیرا، اولاً، شاهد باقی ماندن برخی از هنجارهای الگوی سنتی خانواده که بعضاً ناهماهنگ و نامتجانس با تغییرات جدید بوده، می‌باشیم. خانواده ایرانی پس از تحولات ناشی از مدرن شدن و فرایند جهانی شدن در بستر جامعه، تغییراتی را تجربه کرد که از نظر ابعاد، سرعت تغییرات، سنخیت، تجانس، پیچیدگی و مقاومت عناصر سنتی بر جای مانده از خانواده پدرسالار، با تحولات کلی جامعه همسو بود. پس از وقوع و تأثیر این تغییرات، آسیب‌ها و مسائلی در خانواده و به تبع آن در جامعه ایجاد شده که لازم است برای پیشگیری از تشدید یا مقابله با آن‌ها، ماهیت تغییرات خانواده، ابعاد و پیامدهای آن بازشناسی شود. ثانیاً، شاهد غفلت در اتخاذ الگویی مناسب برای تحلیل و سیاست‌گذاری‌های مقتضی با نهاد خانواده ایرانی هستیم. الگویی که در مواجهه با واقعیت‌ها و مسائل موجود در خانواده ایرانی از کفایت ذهنی و عینی مناسبی برخوردار باشد و با تحولات اخیر جامعه ایران نیز هم‌سوئی بیشتری داشته باشد. به نظر می‌رسد معرفی الگوی مناسب، زمانی میسر خواهد بود که نخست بتوان سیمای جامعه‌شناختی کنونی ایرانی را بازنمایی کرد (لبیعی، ۱۳۹۳: ۱۸۶).

از سوئی منشاء اصلی در توجه به مطالعه خانواده به اهمیت این نهاد اجتماعی در ایران و ضرورت تحلیل جامعه‌شناختی ایرانی باز می‌گردد. اهمیتی که مسائلی چون خانواده در حیات ایرانی دارد، می‌تواند دغدغه جامعه‌شناسان ایرانی برای شناسایی بهتر جامعه ایرانی باشد. بررسی خانواده ایرانی بدون درک جامعه جدید متأثر از فرایند جهانی شدن بی‌معنی است. جامعه ایرانی، خانواده ایرانی، تحولات و تغییرات آن، سابقه و تنگناها و مشکلات و چالش‌های آن به معنی واکاوی جهانی شدن و مدرنیته ایرانی متأثر از آن است. مطالعه خانواده در ایران از ابعاد گوناگون اهمیت دارد. آنچه در پی بیان آن هستیم، نحوه ساختن جامعه ایرانی از دریچه

خانواده است. بدین لحاظ باید از خانواده و جامعه ایرانی و تطور آنها با توجه به وضعیت جهانی شدن و تأثیر آن در جامعه و خانواده ایرانی سخن به میان آید (ارمکی، ۱۳۸۶: ۷).
بدین ترتیب هدف عمده این بررسی آن است که مردمان شهر زنجان که شهری نسبتاً مذهبی و سنتی است، تحولات و تغییرات خانواده خود را طی چند دهه اخیر چگونه دیده، درک و تفسیر می‌کنند؟ و تجربه جهانی شدن در نظام معنایی آنها چه جایگاهی دارد؟ با چنین رویکردی هدف این تحقیق درک و بازسازی معنایی مردم از تحولات خانواده متأثر از فرایند جهانی شدن می‌باشد.

مروری بر رویکردهای نظری

در این مطالعه علیرغم منطبق روش شناسی تفسیری، از نظریه‌های و رویکردهای مختلف نظری به شیوه‌های متفاوت‌تری از روش اثبات‌گرایانه استفاده می‌شود. در این بخش، نظریه‌ها می‌توانند به مثابه^۱ راهنمای عمومی پژوهش‌های کیفی مد نظر قرار گیرند؛ به این معنا که نظریه‌ها در باز شدن ذهن محقق، توجه به نکات، روندها و ابعاد محوری میدان مطالعه، ارائه چارچوب مفهومی جهت طرح سوال‌های اساسی، نقش کلیدی ایفا می‌کنند (فترم، ۱۹۹۵؛ پاتون، ۲۰۰۱). کوربین و اشتراس (۲۰۰۷) نیز با تأکید بر استفاده از نظریه‌ها و رویکردهای نظری در قالب «ادبیات فنی»^۱ بر این باورند که بازنگری و استفاده عمومی از نظریه‌ها می‌تواند به چیزی منجر شود که گلاسر (۱۹۷۸ و ۱۹۶۷) آن را «حساسیت نظری»^۲ می‌خواند (محمد پور، ۱۳۸۹: ۱۲۲).

بنابراین در مطالعه از نظریه‌ها به عنوان راهنمای نظری جهت تفسیر و تبیین بیشتر ابعاد مورد مطالعه استفاده شده است. در این نوشتار، برخی از مهم‌ترین نظریه‌های مرتبط برای رهنمون‌سازی اهداف تحقیق آورده شده است.

گود در دهه ۱۹۶۰، با انتشار کتاب انقلاب جهانی در الگوهای خانواده، تحولات خانواده را در مرکز توجه قرار داد. وی ضمن پژوهش‌های دامنه دار خود دربارهٔ تحولات خانواده، اظهار می‌دارد که الگوهای خانواده اغلب در برابر فشارهای بیرونی مقاومت می‌کنند. همچنین جهت تغییرات خانواده در جوامع مختلف متفاوت است و حتی زمانی که دو نظام خانواده در یک جهت تغییر می‌کنند، نتایج این تغییر یکسان نخواهد بود.
گرنسهایم^۳ نیز معتقد است خانواده در دنیای امروز با چنان تحول عظیمی روبرو شده است که

^۱. technical literature

^۲. theoretical sensitivity

^۳. Gernsheim

بسیاری از نظریه‌های دهه‌های گذشته را بی‌فایده و بی‌اثر ساخته است. او خانواده را در چارچوب سایر تحولات اجتماعی مطالعه می‌کند و از آنجا که معتقد است جهان با شتاب روزافزون به سوی یکپارچه‌شدن پیش می‌رود، بنابراین خانواده نیز در این مجموعه تحولاتی گسترده را تجربه خواهد کرد و به قول او در دنیای جهانی شده امروز با خانواده‌هایی فراملیتی روبرو هستیم و اگر این نگاه را عمیق‌تر سازیم حتی در درون جوامع نیز نوعی ارتقاء کیفی در کنار پراکندگی کمی در خانواده‌ها مشاهده می‌شود. به عقیده گرنسهایم تأثیر جهانی شدن بر زندگی خانوادگی تنها محدود به موضوعات اقتصادی نیست. جهانی شدن اگر چه باعث تحولات بزرگی در زمینه فناوری شده است، اما واقعیت این است که همین پدیده موجب رشد بیکاری در بسیاری از کشورهای جهان شده و افراد ناچار می‌شوند برای پیدا کردن شغل به شهری دیگر بروند و در چنین شرایطی داشتن فرزند بسیار دشوار است. همین مسائل باعث می‌شود اصلاً به ازدواج فکر نکنند یا بسیار با احتیاط در این زمینه قدم بردارند (بک گرنسهایم، ۲۰۰۲ به نقل از لبیبی، ۱۳۹۳: ۶۳۶-۶۳۳). او معتقد است عشق دوران امروز را باید عشق از راه دور نامید، عشق‌هایی که در چت روم شکل می‌گیرد و به اشکال مختلفی بروز و ظهور پیدا می‌کند و تحت تأثیر این شرایط جدید خانواده‌هایی نیز که ناشی از چنین روابطی بوجود می‌آیند با چالش‌های فراوانی روبرو هستند. از نظر تاریخی خانواده‌ها بسوی ارتقاء کیفی پیش می‌روند و در آنها شاهد خودمختاری بیشتر برای افراد در کنار حقوق مساوی برای اعضای خانواده هستیم، اما در تفسیر هر یک از این موارد با توجه به ارزش‌ها و باورهای فرهنگی جوامع تفاوت‌های زیادی دیده می‌شود (لبیبی، ۱۳۹۳: ۶۳۶).

گرنسهایم معتقد است مردسالاری عمومی شکل مسلط جوامع غربی امروزی است اما هنوز هم مردسالاری خصوصی در بسیاری از مناطق به حیات خود ادامه می‌دهد. در گذشته مرد و زنی که عاشق هم بودند با هم زندگی می‌کردند و فرقی نمی‌کرد چه اتفاقی رخ دهد آنها سخت‌ترین شرایط را برای نشان دادن عشق و علاقه خود به یکدیگر تحمل می‌کردند، اما حالا در دنیای جهانی شده، انگار کسی می‌گوید: اگر واقعاً عاشق خانواده خود هستید باید آنها را ترک کنید. بدین ترتیب شیوه نوینی از مادر بودن معنا پیدا می‌کند که به آن مادر بودن فراملیتی گفته می‌شود. این تحولات باعث ایجاد زنجیره‌های مراقبت جهانی می‌شود که بر اساس روابط بین افراد در کشورها و مناطق مختلف شکل می‌گیرد (لبیبی، ۱۳۹۳: ۶۵۹-۶۵۸).

دیوید چیل^۱ معتقد است خانواده که زمانی با همیاری و همکاری و بازتولید نسلی و زندگی در محیطی مشترک شناخته می‌شد اینک دستخوش تحولاتی عظیم گردیده است. در دنیای امروز

^۱. Cheal

خانواده‌های تک والد به سرعت در حال گسترش‌اند و زندگی همبالینی از صورتی محدود به شکلی آشنا تبدیل شده است. به قول جیمز هالشتین ذهنیت ما از خانواده تغییر کرده و این تغییر نتیجه تحولاتی است که در روابط خانوادگی بوجود آمده است. هاریت گروس معتقد است امروزه زوجها مسائلی دارند که برای یکدیگر قابل فهم نیست و دایره موضوعات مشترک بین آنها کاهش یافته است و افراد سعی می‌کنند با روش‌هایی چون مناسک‌سازی خانوادگی این سردی را هر چند کوتاه از بین ببرند. سالخوردگی جمعیت در کنار کاهش میزان باروری، جایگزینی طبیعی جمعیت را با مشکل مواجه کرده و دولت‌ها را به دخالت در خصوصی‌ترین امور خانواده واداشته است. از دیگر مسائلی که در دنیای امروز حائز اهمیت است به تأخیر افتادن سن ازدواج است. این تأخیر که در گذشته شاخصی در کشورهای غربی محسوب می‌شد اینک به سایر کشورها نیز سرایت کرده و آنگونه که هیتون نشان داده بسیاری از کشورهای اسلامی نیز اینک با پدیده تأخیر سن ازدواج روبرو هستند (چیل، ۱۳۸۸: ۲۴-۲۱).

وایدمر^۵ نیز تحول خانواده را از مرحله سنت به مدرنیته می‌داند، اما اینک شاهد دوران پسامدرنیته هستیم و باید ویژگی‌های خانواده در این عصر را مورد مطالعه قرار دهیم. به عقیده او این تحولات بصورت یکسان در تمامی جوامع روی نداده است بطوریکه در بخش‌هایی از جهان شاهد حضور قدرتمند خانواده‌های سنتی، در بخش‌هایی دیگر خانواده‌های مدرن و در نهایت در بخش سوم شاهد شکل‌گیری خانواده‌هایی هستیم که باید آنها را خانواده‌های تفریدی در دوران پسامدرنیته نامید. بنابراین مطالعه تحول خانواده در جهان یعنی تحول خانواده را نقطه به نقطه و مرحله به مرحله نگرستن نه اینکه حکمی کلی درباره آن صادر کردن و به نتیجه‌ای قطعی رسیدن (لیبی، ۱۳۹۳: ۷۲۹).

گیدنز از جمله صاحب‌نظرانی است که مباحث نظری فراوانی را در باب تحول، دگرگونی، تغییرشکل و تنوع اشکال خانواده در عصر مدرن مطرح نموده است. گیدنز درباره تحول خانواده دوره جدید معتقد است که «امروزه در کشورهای غربی و به طور فزاینده‌ای در کشورهای دیگر جهان، خانواده دیگر یک واحد اقتصادی نیست، بلکه مجموعه‌ای از پیوندهاست که بیشتر براساس ارتباط و خصوصاً ارتباط عاطفی شکل گرفته است؛ درحالی که در گذشته، خانواده، قبل ازهرچیز، یک واحد اقتصادی بوده و پیوندها در زندگی خانوادگی بیشتر از هر چیز به علل اقتصادی و گاهی دلایل استراتژیک شکل می‌گرفته است» (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۲۳).

از دیدگاه گیدنز جهانی شدن پدیده‌ای است چند بعدی که هر یک از ابعاد آن می‌تواند بر نهاد خانواده به عنوان نهادی اجتماعی تأثیرگذار باشد. یکی از عمده‌ترین تأثیرات جهانی شدن در نهاد خانواده، دگرگونی نقش‌های سنتی و ثابت و از پیش تعیین شده^۶ اعضای خانواده است (گیدنز: ۱۳۷۹، ۱۳۸۲: ۵۵-۵۶؛ تافلر: ۱۳۷۰: ۲۸۰-۳۰۸). خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی در

فرآیند جهانی شدن دچار تناقضات روز افزون می‌شود. در یکسو ضرورت مشارکت اقتصادی زنان در خانواده و در سوی دیگر تمایلات مادر بودن و بچه‌دار شدن قرار دارد که این دو در تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرند (ترنز، ۱۳۸۱: ۲۹۴). در این میان حضور گسترده زنان شاغل، در زندگی اجتماعی، تغییر و تنوع شکل‌های ازدواج در جوامع غربی، تنزل جایگاه ازدواج در شکل سنتی آن و ظهور پدیده‌ای به نام تأخیر در ازدواج، جایگزینی نقش‌های اکتسابی به جای نقش‌های محول برای زنان در فضای فرهنگی و کاهش فرزندآوری و عزیز نگه داشتن فرزندان و همچنین کاهش تأثیر ازدواج در فرایند هویت‌یابی از پیامدهای تغییر نقش در عصر جهانی شده است (گیدنز، ۱۳۷۹، ۱۳۸۲: ۵۵-۵۶؛ تافلر، ۱۳۷۰: ۲۸۰-۳۰۸) همچنین امروزه خانواده شاهد ظهور الگوهای جدید ازدواج، خانواده و نوع روابط جنسی است که به تعبیر اندیشمندان همچون گیدنز، در حال گسترش و جهانی شدن (گیدنز، ۱۳۸۲، کیرنان: ۲۰۰۴: ۱۸-۲۴).

نهاد خانواده با توجه به اعداد و ارقام در دو دهه اخیر به دلیل پیامدهای مدرنیته غربی، دستخوش دگرگونی‌های زیادی شده که این تغییرات به خصوص در مورد زنان و نقش و جایگاه اجتماعی آنان، در خور توجه است. به تعبیری می‌توان گفت که امواج جهانی شدن تغییر نقش زنان به ایران نیز رسیده و چالش‌هایی را در برابر ساختار سنتی خانواده و جامعه ایران قرار داده است. از جمله تغییرات دیگر، افزایش نرخ طلاق در ایران است که کاستلز و گیدنز افزایش آمار طلاق را با فرایند آزادی و رهایی زنان از فشارهای جامعه مردسالار مرتبط می‌دانند (گیدنز، ۱۳۸۲: ۵۵، ۱۳۷۳: ۴۰۶-۴۳۱؛ کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۸۴-۱۷۹).

از دیگر ابعاد جهانی شدن، وجود ارتباط سالم و دوطرفه، تساوی در روابط، اعتماد متقابل در روابط، مشارکت جمعی و فقدان خشونت از ویژگی‌های دموکراسی محسوب می‌شوند که با گسترش جهانی شدن، روابط و الگوهای خانوادگی را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند. بروز پدیده‌ای به نام دموکراسی عاطفی در روابط جدید خانوادگی از نتایج جنبی جهانی شدن است که در آن زندگی خانوادگی و احساسات بر مبنای شاخص‌های دموکراتیک شکل می‌گیرد و به دموکراتیک شدن روابط اجتماعی در سطوح مختلف منجر می‌شود. نظریه‌پردازان معتقدند که وجود دموکراسی در روابط خانوادگی به استحکام خانواده در حوزه خصوصی و در نهایت، به استحکام بنیان‌های جامع‌های مبتنی بر مشارکت جمعی در حوزه عمومی منجر خواهد شد (گیدنز، ۱۳۷۹: ۹۳-۹۶ و ۱۳۸۲: ۵۶).

شناخته‌ترین و رساترین کوششی که در زمینه تلفیق مسائل خرد و کلان انجام گرفته، نظریه ساختاربندی گیدنز است. از نظر گیدنز تقسیم‌بندی اساسی در جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی، همان است که میان دو رویکرد به تحلیل اجتماعی وجود دارد رویکرد عامل محور و رویکرد ساختار محور (سیدمن، ۱۳۸۸: ۱۹۰).

گیدنز معتقد است «لحظه تولید کنش، همچنین لحظه باز تولید زمینه‌های تصویب روزانه زندگی اجتماعی است» (گیدنز، ۱۹۸۴: ۲۶-۲۵). آشکار است که ساختار بندی بیانگر رابطه دیالکتیکی بین ساختار و عاملیت است (راکلین، ۱۹۹۱ به نقل از ریتزر و گودمن، ۱۳۹۳: ۵۸۰). گیدنز بین خردترین سطوح جامعه و سطوح کلان (جهانی شدن) ارتباط می‌بیند و معتقد است نمی‌توان آنها را بطور جداگانه فهمید. چرا که تاثیرات آن‌ها بر هم غیر قابل چشم پوشی است. روی هم رفته، گیدنز در نظریه ساختاری، ساختار (به معنی قواعد و منابع) را هم به سطح کلان (نظام‌های اجتماعی) و هم به سطح خرد (خانواده) پیوند می‌دهد (جلایی پور، ۱۳۸۴: ۱۶).

میدان مطالعه

شهرستان زنجان یکی از شهرهای کشور جمهوری اسلامی ایران با مساحت ۶۷۶۳ کیلومترمربع از شهرستان‌های استان زنجان است. جمعیت شهرنشین این شهرستان بر طبق سرشماری سال ۱۳۹۰، برابر با ۳۸۸۷۹۶ نفر بوده است. شهر زنجان مرکز استان زنجان است. این شهر مرکز شهرستان زنجان نیز می‌باشد. نام زنجان عربی شده زنگان فارسی است. مردم منطقه هنوز هم تلفظ زنگان را بکار می‌برند. شهر زنجان در دره زنجان رود (از شاخه‌های قزل اوزن (سفید رود)) قرار گرفته و سر راه شوسه و خط آهن تهران به تبریز می‌باشد. دشت زنجان با وسعت قابل توجهی از شمال به ارتفاعات طارم و از جنوب به ارتفاعات سلطانیه که در حدود ۱۷۰۰ تا ۲۹۰۰ متر ارتفاع دارند منتهی می‌شود. زبان اهالی استان زنجان نیز مانند نژاد آن‌ها یک دست نیست و در طول تاریخ دست خوش تغییر و تحولات فراوان شده ولی آن چه مسلم است این که زبان اهالی بومی استان، پیش از هجوم اقوام مغول فارسی بوده است. پس از استقرار اقوام ترک در این منطقه و مهاجرت‌هایی که از سوی نژاد ترک آذری انجام گرفته، مخلوطی از زبان‌های ترکی، جغتایی، ترکی آذری و زبان فارسی که کلمات زبان کردی نیز در آن وجود دارد، تشکیل شده که هم اکنون نیز رایج است. مردم زنجان مسلمان با مذهب شیعه بوده و دارای اعتقادات مذهبی بویژه تعلق خاطر نسبت به ائمه اطهار (ع) هستند و این اعتقادات آنها نقش مهمی در زندگی روزمره آنها دارد.

روش‌شناسی

این پژوهش به روش کیفی و با رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی و با طرح تحقیق مردم‌نگاری انجام شده است. مردم‌نگاری به مطالعه مردم در محیط اجتماعی طبیعی با ابزارها و روش‌هایی که بتوان به معانی اجتماعی و فعالیت افراد دست پیدا کرد، گفته می‌شود. در این روش تحقیق، محقق مستقیماً در محیط و میدان مورد مطالعه مشارکت می‌کند (مری‌ام، ۲۰۰۲: ۴ به نقل از

محمد پور ۱۳۹۲: ۲۱۲). این نوع تحقیق شکلی از بررسی اجتماعی است که بر شیوه تفسیر مردم از جهانی که در آن زندگی می‌کنند، تأکید دارد. روش مردم‌نگاری را تحقیق طبیعی‌گرا، پژوهش میدانی، مطالعه موردی و تحقیق تفسیری نیز می‌خوانند. این روش به سوژه‌ها اجازه صحبت می‌دهد و همه واقعیت را از منظور آنان منعکس می‌سازد (آدکینز، ۲۰۰۲). در این راستا از فنون مصاحبه عمیق و مشاهده مشارکتی داده‌ها گردآوری و سپس با استراتژی تحلیل موضوعی^۱ تحلیل شدند. تحلیل مضمون یا تحلیل موضوعی، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (براون و کلارک، ۲۰۰۶).

نمونه‌گیری کیفی مورد استفاده نمونه‌گیری هدفمند^۲ که به آن نمونه‌گیری نظری نیز گفته می‌شود، می‌باشد. در این شیوه محقق با افرادی تماس برقرار می‌کند که در زمینه موضوع مورد بررسی یا جنبه‌هایی از آن دارای اطلاعات و شناخت مناسب و نسبتاً کافی می‌باشند. این افراد را مطلعین یا دروازه‌بان^۳ می‌خوانند (هامرسلی و اتکینسون ۱۹۹۷؛ اشتراوس و کوربین ۱۹۹۸؛ نیومن ۲۰۰۶). در این شیوه نمونه‌گیری تعداد افراد مورد مصاحبه یا به عبارت دیگر حجم نمونه به اشباع نظری سوال‌های مورد بررسی بستگی دارد، بنابراین در این پژوهش از ۳۵ نفر از ساکنین شهر زنجان مصاحبه عمیق به عمل آمد. لذا از آنجا که محقق تجربه زیسته مشترکی در جامعه مورد مطالعه دارد، لذا با اتخاذ رویکرد امیک (نگاه از درون و برساخته ذهنی و معنایی سوژه‌های مطالعه) به همراه رویکرد اتیک (نگاه محقق) جهت دستیابی به شناختی نسبتاً جامع از درک و تعبیر جامعه مورد مطالعه از عناصر جهانی شدن و تغییرات خانواده استفاده نموده است.

یافته‌های تحقیق

در این پژوهش با چندین سؤال محوری که با استفاده از روش‌های کیفی گردآوری اطلاعات بدان پاسخ داده است. داده‌های متنی و مصاحبه‌ای گردآوری شده از ۳۵ نفر به صورت سطر به سطر جهت استخراج مفاهیم اولیه کدگذاری باز صورت پذیرفت، و سپس با جمع‌بندی مفاهیم و کدگذاری متمرکز و ترکیب نهایی آنها مضامین بدست آمد. در این مقاله به دلیل محدودیت فضای نوشتار از ارائه کدگذاری باز و مفاهیم آن اجتناب شد و تنها بخشی از داده‌ها امیک و نقل

-
1. thematic analysis
 2. purposive sampling
 3. gate keeper

قول‌های آن بیان می‌شود و بیشتر به بخش اتیک آن بسنده می‌شود. در بخش اتیک به چند مضمون مهم دست یافتیم که عبارتند از: ابزارهای جهانی شدن، باز اندیشی در کارکرد خانواده، باز اندیشی زنان در هویت اجتماعی، تحول ساختاری خانواده، تبدیل روابط سنتی به مدرن، فرسایش سرمایه اجتماعی خانواده، استمرار نسبی نابرابری جنسیت، تضعیف ارزش‌های سنتی و مقاومت که در ادامه به هر یک از این مضامین پرداخته می‌شود.

جدول شماره ۱: کد گذاری متمرکز و مضامین نهایی استخراج شده از داده‌های کیفی

مضمون نهایی	کدگذاری متمرکز
ابزارهای جهانی شدن	کارکرد رسانه‌ها- تأثیر رسانه‌های جهانی- تشدید روابط جهانی
تضعیف ارزش‌های سنتی	تغییر ملاک‌های همسرگزینی از سنتی به مدرن- گذر از ارزش‌های سنتی و مذهبی به مدرن- شکاف نسلی- سنت‌گرایی گذشتگان- رواج تجمل‌گرایی- آزادی‌گرایی جوانان
تبدیل روابط سنتی به مدرن	تحدید تعامل‌های سنتی- تحدید روابط خویشاوندی- کمرنگ شدن عواطف- فردگرایی
باز اندیشی در کارکرد خانواده	کاهش مراقبت از سالمندان- عقلانی شدن فرزندآوری- تغییر در شیوه فرزندپروری- باز اندیشی در تعاملات جنسی
باز اندیشی زنان در هویت اجتماعی	بازاندیشی زنان در نقش‌های جنسیتی- فرار زنان از مردسالاری- تغییر هویت زنان- برابری خواهی زنان
تحول ساختاری خانواده	تغییر در شیوه‌های همسرگزینی- تعارض نقش‌ها- تغییر در ساختار اقتدار خانواده- عمومی شدن ازدواج مجدد- افزایش طلاق عاطفی و واقعی- عدم پذیرش چند زنی
فرسایش سرمایه اجتماعی خانواده	کاهش وساطت اجتماعی- عدم اعتماد به ازدواج مجدد- عدم اعتماد در زندگی زناشویی
استمرار نسبی نابرابری جنسیتی	فشار نقش زنان- استمرار نسبی نظام سلسله مراتبی- استمرار نسبی تفکیک نقش- تغییر نسبی نگرش فرهنگی به انتظارات نقش- عدم پذیرش ازدواج مجدد زنان- پیامدهای طلاق برای زنان
مقاومت	نگرانی خانواده‌ها از تعویق فرزندآوری- نگرانی از مدرنیته- جایگزینی شبکه‌های مجازی خویشاوندی به جای تعاملات خویشاوندی- عدم پذیرش همبالی- بازدارندگی اعتقادات از روابط نامشروع

ابزارهای جهانی شدن

مردم زنجان با استفاده از ارتباطات به کمک تکنولوژی‌ها و فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، مناسبات سنتی خود را در حال تغییر می‌بینند و تعاملات سنتی آنها که زمانی بیشتر عینی و

واقعی بود تبدیل به ارتباطات مجازی گردیده و نه تنها ارتباطات واقعی را کاهش داده، بلکه به نسبت گرایشی در ارزش‌های اخلاقی و دینی، کاهش واقعیت‌گرایی و گسترش نگرش و ارزش‌های مجازی و از بین رفتن یا مبهم شدن جهت زندگی منجر شده است. در واقع مردم احساس می‌کند با استفاده از رسانه‌های جمعی نوین شاهد شکسته شدن حریم‌ها در جامعه هستند و معتقدند این مساله بر جوانان تأثیر بیشتری نسبت به مسن‌ترها بر جای می‌گذارد. فردی درباره ماهواره می‌گوید:

«ماهواره حجب و حیای جوانان را از بین برده البته فیلم‌های ماهواره به جوانان خانواده بیشتر از پدر و مادرها اثر می‌گذارد، قبلاً تو خانواده خیلی چیزها حرمت داشت ولی الان همه پیش هم فیلم‌های مختلف را نگاه می‌کنند بدون اینکه حریم‌ها را حفظ کنند.»

مصاحبه شونده دیگری چنین نظر می‌دهد:

«ان افراد تو گروه‌ها بدون توجه به جنسیت افراد استیکرهای می‌فرستند که ممکنه یه معنایی داشته باشه که قبلاً با هم رو در رو اینکار را نمی‌کردند و اون معانی رو به هم منتقل نمی‌کردند.»

در واقع مردم در حال جایگزین کردن شبکه مجازی به جای شبکه خویشاوندی هستند و شاهد نوعی تغییر گذران اوقات فراغت توسط خانواده‌ها هستیم. آن‌ها نسبت به قبل عواطف خود را از دست داده‌اند و مثل گذشته کمتر به هم سر می‌زنند و پیوندهای عاطفی کمتری دارند و جایگزینی برای ارتباطات فامیلی پیدا کرده‌اند:

«ان خیلی‌ها ترجیح می‌دهند بدون اینکه رو در رو باشند با اینترنت با هم تماس داشته باشند و چون اکثراً با تلگرام و فیلم‌ها مشغولند رفت و آمدهای خانوادگی کم شده، یه جورایی اینترنت عواطف رو کم کرده، البته به نوعی تفریح‌ها فرق کرده آگه قبلاً زنان با هم در کوچه‌ها وقت گذرونی می‌کردند شاید یه چیزی هم یاد می‌گرفتند یا با فامیل‌های خود رفت و آمد داشتند، ولی امروزه هم تو اینترنت وقت گذرونی می‌کنند و بعضی وقتها یه چیزی هم یاد می‌گیرند.»

با ورود رسانه‌های ارتباطی بیشتر خانواده‌ها معتقدند این رسانه‌ها در کنار مزایایی که دارد باعث تسهیل‌گری خیانت و نیز تزلزل بنیان خانواده شده در واقع استفاده مردم از این رسانه‌های ارتباطی بویژه رسانه‌های خارجی همچون ماهواره و نیز اینترنت و شبکه مجازی باعث تغییرات گسترده‌ای شده یکی از ساکنین در این خصوص بیان می‌دارد:

«حالا که شبکه‌های اجتماعی زیاد شده خیانت هم راحت‌تر شده و کسی خبردار نمی‌شود، مثلاً افراد زیادی در شبکه‌های اجتماعی با هم ارتباط دارند و زنان و مردان خیلی با هم راحت شدند و به متاهل بودن هم توجه نمی‌کنند و با هم دوست می‌شوند.»

تو اینترنت هم بعضی بحث‌های غیراخلاقی سایت‌ها باعث از هم پاشیده شدن خانواده‌ها می‌شود. البته خیلی از فیلم‌های ماهواره‌ای هم اینطوری هستند که با فرهنگ ما هماهنگ نیستند.»

البته بسیاری از مردم به مزیت‌های این رسانه‌ها بویژه اینترنت اشاره می‌کنند گرچه مزیت‌های آنچنانی را برای ماهواره متصور نمی‌شوند ولی معتقدند ماهواره به عنوان ابزاری که برای پر کردن اوقات فراغت آنهاست مورد استفاده قرار می‌گیرد ولی درباره اینترنت و فضای مجازی به مزایای آن نیز توجه می‌کنند. یکی از افراد مورد مصاحبه چنین عنوان می‌کند:

«ماهواره و اینترنت جنبه‌های مثبت زیادی هم دارند و همش عیب نیست مثلاً اینترنت در زمان صرفه‌جویی می‌کنه و بسیاری اطلاعات مفید دیگر در اختیار ما قرار میده حتی با ماهواره می‌تونیم از خیلی مسائل و خبرهای جهان با خبر بشیم و زمان‌هایی که حوصله‌مان سر میره خیلی راحت می‌تونیم خودمون را باهاش مشغول کنیم.»

البته باید به این نکته توجه شود که پیامدهای منفی اینترنت و ماهواره در بین مردم زنجان بسیار بیشتر از مزایای آن مورد توجه است و در برخی موارد شاهد نوعی نگرانی از تغییرات فرهنگی ایجاد شده توسط ابزارهای رسانه‌ای هستیم و آنها معتقدند توسط ارتباطات جهانی که بوقوع پیوسته شاهد نوعی برون فرهنگ‌یابی و الگوپذیری از سایر فرهنگ‌ها هستیم. به عنوان نمونه فردی می‌گوید:

«همه افراد تو هر سطح سوادى از اینترنت استفاده نمی‌کنند ولی ماهواره همه گیر شده وقتی این وسایل آمدند بیشتر با سایر کشورها ارتباط برقرار کردیم، ولی فرهنگ استفاده از آنها را هنوز یاد نگرفتیم و باعث شده با فرهنگ‌های دیگر آشنا بشیم و آنرا با فرهنگ خود قاطی کنیم به جورایی می‌شه گفت این ارتباطات و آشنایی با فرهنگ‌های دیگر به روابط ما آسیب زده است.»

آنها معتقدند با استفاده از رسانه‌های ارتباطی آگاهی‌های آنها از سراسر جهان بالا رفته است و باعث افزایش توقع آنها از زندگی شده است. مصاحبه شونده‌ای در این خصوص اظهار می‌دارد:

«از طرفی رسانه‌ها آگاهی‌های افراد را از محیط‌های دیگر و مردمان دیگر بالا برده چون با ارتباط با سایر کشورها از قوانین سایر کشورها سر در می‌آوریم و به مرور قوانین کشور نیز عوض می‌شود و بعضی مواقع بهتر می‌شه، این‌ها چشم و گوش همه را باز کرده و چیزهایی را که نمی‌دانستند یاد گرفتند و توقع افراد را از زندگی بالا برده است.»

مردم زنجان افزایش تعاملات با دیگر کشورها و تشدید روابط همچون افزایش تورهای مسافرتی، زندگی در سایر کشورها و ارتباط با خویشاوندان و دوستان که در سایر نقاط جهان زندگی می‌کنند را در افزایش آگاهی‌های مردم از سراسر جهان و تغییرات فرهنگی مؤثر می‌دانند:

«امروزه با افزایش تورهای مسافرتی و رفت و آمد زیاد مردم باعث تغییر در شیوه زندگی و لباس شده است الان خیلی‌ها برای مسافرت ترجیح میدن به کشورهای دیگه برن و این باعث می‌شه خیلی چیزها را که قبلاً نمی‌دونستن ببینن و بخوان که زندگی شون مثل اونها بشه، خیلی از فامیل‌های ما هم که برای درس خوندن رفتن کشورهای دیگه وقتی به ایران میان می‌بینیم که لباس پوشیدن و حرف زدنشون فرق کرده، وقتی از طریق اینترنتی هم با بچه‌های ما ارتباط دارند از نحوه زندگی تو اون کشورها می‌گن و ذهن بچه‌ها رو هم عوض می‌کنند.»

بازاندیشی در کارکرد خانواده

از آنجاییکه در زندگی اجتماعی مدرن، عملکردهای اجتماعی پیوسته مورد باز سنجی قرار می‌گیرند و در پرتو اطلاعات تازه درباره خود آنها اصلاح و پیوسته دگرگون می‌شوند، تجدید نظر در عرف همه جنبه‌های زندگی صورت می‌پذیرد. بنابراین مردم زنجان با کاهش نفوذ سنت و بازسازی زندگی روزمره بر حسب عوامل جهانی که بیشتر از طریق منابع و بسترهای تازه از قبیل رسانه‌های جهانی، فضاهای مجازی و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی و همچنین عوامل محلی، شیوه‌های زندگی خود را از میان گزینه‌های مختلف بر می‌گزینند. در همین راستا شاهد بازاندیشی افراد در روابط اجتماعی‌شان و کارکردهای خانواده می‌گردد به گونه‌ای که مردم زنجان کارکردهای حمایتی و مراقبتی خانواده را مورد بازاندیشی قرار می‌دهند و با کاهش مراقبت از سالمندان در کارکردهای حمایتی خانواده تجدید نظر می‌کنند. در همین رابطه یکی از افراد مورد مصاحبه می‌گوید:

«یکی از فامیل‌های ما از مادر شوهرش مراقبت می‌کنه مجبوره هیچ جا نره، پس من ترجیح می‌دم رفت و آمدم را با مادر شوهرم کم کنم که آگه پیر شدن این بلا سرم نیاد.»

از سویی شاهد تأمل در شیوه‌های جامعه‌پذیر کردن فرزندان و تغییر شیوه‌های فرزندپروری هستیم اما گر چه شاهد تغییر سبک مستبدانه فرزندپروری هستیم ولی لزوماً این سیر تحول در همه خانواده‌ها به سوی فرزند محوری نیست و عمده مردم شیوه دموکراتیک فرزندپروری را ترجیح می‌دهند. از سویی با گسترش مهد کودک، کارکرد جامعه‌پذیری از خانواده‌ها به سایر نهادهای اجتماعی واگذار شده است. یکی از ساکنین چنین می‌گوید:

«قبلاً بچه‌هایی که به دنیا می‌آمدند در خانه پدر بزرگ‌ها بزرگ می‌شدند ولی الان آن‌ها را به مهد کودک می‌سپارند چون الان زندگی‌ها مثل قبل دسته جمعی نیست بزرگترها برای خود کارهایی دارند که نمی‌توانند از نوه‌ها نگهداری کنند.»

از سویی مردم زنجان با باز اندیشی در تعاملات جنسی خود شاهد تغییر ارزش‌های دینی و اخلاقی و رواج روابط نامشروع و گسترش بی‌بند و باری جنسی هستند حتی آنها معتقدند اگر چه در گذشته‌ای نه چندان دور خیانت از طریق مردان در جامعه هر چند اندک، وجود داشته است ولی اکنون با افزایش این مساله بین مردان و نیز رواج آن در میان زنان پدیده‌ای نوظهور را شاهدیم که شاید در دو دهه گذشته کمتر معنا داشت و حتی پذیرش خیانت توسط برخی از زوجین نشان بازاندیشی در تعاملات جنسی مردم دارد. در این خصوص یکی از مصاحبه شونده‌گان چنین می‌گوید:

«قدیم‌ها هم رابط اینچنینی داشتند ولی الان خیلی زیادتر شده، قبلاً اگر مردی می‌خواست چند تا زن داشته باشه به همه رک می‌گفت فلانی رو صیغه کردم. الان اکثرأ رابطه دارند و صیغه‌ای هم در کار نیست و همه پنهان کاری می‌کنند. الان چون بعضی‌ها می‌خواهند زندگی خانوادگی خود را داشته باشند و در کنار آن یه سری لذت‌های دیگری را هم تجربه کنند، بدون ازدواج رسمی با جنس مخالف رابطه دارند.»

بازاندیشی زنان در هویت اجتماعی

تحولاتی که در دهه‌های اخیر در زمینه‌های فرهنگی و ساختاری روی داده سبب دگرگونی نقش‌های اجتماعی و آگاهی‌های زنان شده است. ویژگی‌های عصر مدرن و نیز جهانی شدن، بازاندیشی به‌ویژه در گروه‌های خاص است. در این فضا هر دانشی صرفاً فرضیه‌ای است که روزی دیگر ممکن است مورد بازاندیشی قرار گیرد، حتی خود بازاندیشی. از سویی بازاندیشی هویت زنان ایرانی از مهم‌ترین تاثیرات حضور تکنولوژی‌های نوین ارتباطی در ایران و به تعبیری جهانی شدن ارتباطات است. اینترنت و فناوری‌های نوین مرزهای سنتی و فرضی جغرافیایی و زمانی را در هم شکسته و انسان را از بند مرزها رهانیده است. گویی که مفهوم سنت با مرز در هم آمیخته و این تکنولوژی‌های ارتباطی است که امکان از میان برداشتن مرزها و گذر از سنت را برای زنان فراهم کرده است. در همین خصوص شاهد باز اندیشی زنان در هویت اجتماعی خود هستیم که نقش‌های جنسیتی سنتی خود را مورد بازبینی قرار داده و با مردسالاری موجود در جامعه به مقابله بر می‌خیزند و خواهان برابری در عرصه‌های عمومی و خصوصی هستند که این امر تحولاتی را در خانواده‌های ایرانی بوجود آورده است. در این خصوص یکی از مصاحبه شونده‌گان چنین بیان می‌کند:

«الان اگر زنان بیرون از خانه کار می‌کنند جزو وظایف آنها نیست و می‌خواهند در امور جامعه مشارکت کنند، چون الان دخترها محدودیت گذشته را ندارند نمی‌توانیم آنها را مجاب کنیم مثل زن‌های قدیمی ایفای نقش کنند الان زنان هم از خودشان انتظار

دارند که پا به پای مردان کار کنند.»

فرد دیگری می‌گوید:

«زن‌های قدیم خیلی قانع بودند ولی الان توقعات احساسی زن‌ها بالاتر رفته حتی شاهدیم آگه در منزل از لحاظ احساسی ارضا نشه به همسرش خیانت می‌کنه الان خانم‌ها بیشتر تمایل پیدا کردند خیانت کنند، در حالیکه در گذشته اینطوری نبود الان حتی آگه خیلی از زن‌ها خیانت جسمی نکنند حداقل با حرف زدن با مرد دیگری اینکار را می‌کنند.»

تحول ساختاری خانواده

بدون تردید، جهانی شدن به مثابه پدیده‌ای فراگیر و تاثیرگذار، حاصل موجی عظیم از تغییرات و تحولات است که ساختارهای سنتی، بومی، ملی و بنیان‌های هویتی مردم زنجان را با چالشی بزرگ مواجه ساخته است و خانواده‌های زنجانی بر اثر فرایند جهانی شدن، تحولاتی را تجربه کرده‌اند که آن را در تعارض با خانواده^۱ سنتی قرار داده است و باعث دگرگون شدن ساختار و روابط خانوادگی به طرز وسیعی شده است. گرچه مقاومت‌هایی نیز در برابر آن وجود دارد. اما آنچه روشن است ساختار خانواده با تغییر در شیوه‌های همسرگزینی مواجه بوده است. به گونه‌ای که با امواج جهانی شدن بویژه در دو دهه اخیر که با فن‌آوری‌های نوین همچون اینترنت، ماهواره و شبکه‌های مجازی همراه بوده، شوک‌هایی را به خانواده وارد نموده و تغییراتی بر آن حادث کرده است. جوانان با تغییر در شیوه‌های همسرگزینی از حالت سنتی که بیشتر با ازدواج‌های تنظیم شده و دخالت خانواده همراه بود، به ازدواج‌های آزاد، خواهان انتخاب همسر با ملاک‌ها و معیارهای خود هستند از طرفی خانواده‌ها نیز توان مقابله با فرزندان را نداشته و به آزادی‌های جوانان در انتخاب همسر مهر تأیید می‌زنند. گرچه بیشتر خانواده‌ها نیز خود شیوه‌های سنتی انتخاب همسر را مطلوب ندانسته و بیشتر خواهان انتخاب فرزندان با مشاوره خانواده هستند. در این خصوص فردی چنین می‌گوید:

«جوانان در گذشته جرات انتخاب همسر را نداشتند بزرگترها و پدر به ازدواج آنها نظر می‌دادند ولی امروزه جوانان حق انتخاب دارند و این خیلی خوب است آزادی ازدواج و انتخاب آنها بهتر از گذشته شده است مثلاً من اگر پسر و دخترم بخواهند ازدواج کنند با دوستی قبل از ازدواج آنها موافقت می‌کنم، البته به شرطی که با نظارت خودم و آموزش‌هایی که به آنها می‌دهم قبول می‌کنم با فردی که خودش انتخاب کرده ازدواج کند آگه اینکار را نکنم اونقدر بچه‌ها خواست خود را تحمیل می‌کنند که خانواده‌ها هم مجبور به قبول انتخاب آنها می‌شوند و خواستگاری رفتن دیگه معنا نداره پس بهتره

انتخاب او تحت نظارت خودم باشه.»

موقعیت در حال تغییر زنان و موازنات قدرت آنها با مردان تغییر دیگری است که جوامع ماهر روز در ارتباط با روابط میان دو جنس در جهت مساوات بیشتر در حرکت است. امروزه قدرت زنان در زندگی خانوادگی بیش از هر زمان دیگری است و این امر ساختار اقتدار خانواده را نیز تحت تأثیر قرار داده است و هرمی بودن قدرت را در خانواده در هم شکسته است. با گسترش جهانی شدن، روابط و الگوهای خانوادگی تحت قرار گرفته است. که قدرت در خانواده مشاعیت یافته و از اقتدار مردسالارانه به روابط اجتماعی مبتنی بر دموکراسی رسیده است گر چه این مساله گاه به حدی رسیده است که شاهد فقدان اقتدار در خانواده هستیم به نحوی که اقتدار پدر در هم شکسته و اقتدار مادرانه و یا فرزند نیز به جایی نرسیده است. لذا با تغییرات صورت گرفته شاهد برابری زوجین در تصمیم گیری و اهمیت تصمیم گیری‌های عاقلانه در نظام خانواده هستیم با افزایش مشارکت زنان و فرزندان در تصمیم‌گیری، تصمیم‌گیری در خانواده‌ها حالت افقی پیدا کرده است. یکی از مصاحبه شونده‌گان در این خصوص چنین می‌گوید:

«قبلاً مردان قدرت زیادی داشتند حتی بدون اجازه همسر می‌توانستند زن دوم بگیرند ولی امروزه خیلی چیزها عوض شده الان مردها هم قبول دارند که زنها هم در خانواده تصمیم بگیرند مثلاً من به عنوان یه خانم تو خونه بیشتر تصمیم‌ها را می‌گیرم حتی به خرید خانه و ازدواج بچه‌ها من نظر نهایی را می‌دهم. حتی الان تو خانواده‌ها بچه‌ها رو در تصمیم‌گیری دخالت می‌دهیم چون دوست داریم آنها را خوشحال کنند و بچه‌ها خیلی اهمیت پیدا کردند. اینا به خاطر آینه که سطح فرهنگ عمومی بالا رفته قبلاً برای زن ارزش قائل نبودند الان بهتر شده از طرفی آگاهی زن‌های امروزی هم بالا رفته و تحصیلات دارند. غیر از اون برنامه‌های حقوق بشر که تو سراسر دنیا هست آگاهی را بالا برده دنیا داره تو خیلی چیزها پیشرفت می‌کنه حتی آگه جامعه ما تو محدودیت هم باشه بازم اثر می‌ذاره. تو خانواده ما هر کی بتونه تصمیم عاقلانه‌تری بگیره اون حرف آخر رو می‌زنه.»

از جمله تغییرات دیگر، افزایش نرخ طلاق است همانگونه که کاستلز و گیدنز افزایش آمار طلاق را با فرایند آزادی و رهایی زنان از فشارهای جامعه^۱ مردسالار مرتبط می‌دانند، زنان روز به روز کمتر در نقش‌های سنتی تن به ازدواج می‌دهند و گذراندن زندگی خود را با کار در خانه و نگهداری از فرزندان قبول نمی‌کنند. آن‌ها به دنبال پیشرفت شغلی شخصی خود هستند و از لحاظ اقتصادی خود را مستقل از شوهر بار می‌آورند. با افزایش استقلال زنان و عدم تحمل مشکلات و برابری جویی آنها و از سویی افزایش روابط خارج از چارچوب و خیانت‌های خانوادگی و بسیاری مسائل دیگر زمینه‌های افزایش طلاق را در خانواده‌های زنجانی شاهد

هستیم. در این خصوص یکی از مصاحبه شونده‌گان چنین می‌گوید:

«الان چون خیلی از جوان‌ها در ازدواج انتخاب‌های اشتباهی دارند و ازدواج آنها سنتی نیست زیاد طلاق می‌گیرند، قبلاً مردم ناملايمات زندگی را تحمل می‌کردند ولی الان اینطوری نیست به فکر بچه‌ها نیستند همینکه فکر کنند نمی‌توانند زندگی کنند طلاق می‌گیرند. از طرفی چون دخترها و پسرها در مجردی آزادی‌های زیادی دارند نمی‌توانند محدودیت‌های زندگی را تحمل کنند، زن‌ها زیر بار ظلم نمی‌روند چون کار دارند راحت‌تر طلاق می‌گیرند و اگر شغلی نداشته باشد ترجیح می‌دهند تحمل کند.»

از سویی عده‌ای وجود ماهواره و اینترنت را نیز در این امر دخیل می‌دانند. فردی می‌گوید:

«خیلی از افراد وقتی در فیلم‌های ماهواره روابط آزاد را می‌بینند باعث می‌شود دوست داشته باشند طلاق بگیرند تا شاید چنین روابطی را تجربه کنند بعضی بحث‌های غیراخلاقی سایت‌های اینترنتی و دوست شدن‌ها تو شبکه‌های اجتماعی باعث از هم پاشیده شدن خانواده‌ها می‌شود.»

گر چه قبح طلاق در جامعه فروریخته اما در بین بسیاری از خانواده‌ها همچنان قبح خود را حفظ کرده و بیشتر خانواده‌ها به دلایل متفاوت همچون عدم رضایت خانواده‌ها، فرزندان و بسیاری مسائل دیگر حاضر به طلاق رسمی نیستند که این امر موجب می‌گردد شاهد طلاق عاطفی در بین آنها و ظهور خانواده اضطراری باشیم. پاسخگویی در این باره چنین می‌گوید:

«الان هم هستند خیلی خانواده‌هایی که به هر عنوانی راضی نیستند خانواده را از هم بپاشند، به نظرم آدم نباید تو زندگی به طلاق فکر کنه چون ارزش خانواده بالاست حتی آگه مجبور باشه باید یه جوری شرایط رو تحمل کرد. من خودم تو خیلی از موارد با همسر رابطه خوبی ندارم ولی به خاطر بچه‌ها تحمل می‌کنم.»

فرسایش سرمایه اجتماعی خانواده

حمایت‌های اجتماعی خانواده از مولفه‌های سرمایه اجتماعی است اما خانواده‌ها دیگر مثل گذشته از یکدیگر در مواقع مختلف حمایت نمی‌کنند و این عدم حمایت شامل مسائل مادی، عاطفی و ارتباطات نیز می‌شود. امروز دیگر همچون گذشته افراد به هنگام بروز تنش در خانواده‌ها با میانجیگری و وساطت‌ها به پایداری خانواده اهتمام نمی‌ورزند. به عنوان نمونه امروزه با سهولت و امکان پذیری طلاق برای افراد و کاهش قبح طلاق در جامعه مواجه شدیم که این امر امکان پذیری طلاق را در خانواده افزایش داده است:

«قبلاً خانواده‌ها به طلاق رضایت نمی‌دادند، چون الان خانواده‌ها تو ازدواج بچه‌ها شون زیاد دخیل نیستند و ارتباطات خانواده‌ها سرد شده نه بچه‌ها از پدر و مادر حرف شنوی

دارند و نه آنها کاری به کار اینها دارند، موقع جدا شدن، والدین هم زیاد دخالت نمی‌کنند. قبلاً اختلافات زن و شوهرها توسط بزرگترهای حل می‌شد ولی الان که ارتباطات کم شده دیگه کسی موقع طلاق اطرافیان واسطه نمی‌شود و هر کسی برای خود تصمیم می‌گیرد، اگر رفت و آمد خانوادگی زیاد شود همه به مشکل هم می‌رسند و اینقدر طلاق زیاد نمی‌شود.»

به جز کاهش حمایت اجتماعی از لحاظ عاطفی و مصاحبی، انواع دیگر حمایت‌ها همچون حمایت مالی را نیز در بر می‌گیرد و افراد مانند گذشته از لحاظ مالی یکدیگر را حمایت نمی‌کنند یکی از افراد چنین بیان می‌کند:

«درسته دل مشغولی‌ها زیاد شده ولی واقعاً نمی‌شه توجیه کرد، روابط عاطفی کم شده و اولویت زندگی خود آدم مهم شده مثلاً آگه من ببینم خواهرم مشکل داره می‌گم اول زندگی خودم مهمه بعد زندگی خواهرم و جالب اینجاست این امر متقابل شده.»

«الان کمتر افراد به خونه هم رفت و آمد می‌کنند چون باید از وقت خودم مایه بزارم آگه مشکلی داره به اون برسم و گاهی هم از پولم مایه بزارم تو این دوره زمنه که اکثر افراد مشکل مادی دارند اینکه من بخوام به فردی هم از لحاظ مادی کمک کنم خیلی سخته حتی آگه آدم پول هم داشته باشه بعضی وقت‌ها حساب سود و زیان خودم رو می‌کنیم.»

مردم احساس می‌کنند انسجام اجتماعی نیز کمتر از گذشته شده:

«در گذشته عمو و خاله و دایی همه جزو یک خانواده بودیم و مثل الان در خواهر و برادر خلاصه نمی‌شدیم، قبلاً با ناراحتی و بیماری پدر بزرگ و مادر بزرگ ما هم مریض می‌شدیم ولی الان هر کی به فکر خودش و مشکلات دیگری براش مهم نیست.»

مردم دیگر مثل سابق انتظار بر آورده شدن چشم داشت‌های خود را از رویدادهای اجتماعی و نیز خانوادگی ندارند و مدام در مخاطره به سر می‌برند بویژه این مخاطره و عدم اطمینان و بی‌اعتمادی در ازدواج‌ها بیشتر نمایان است. در واقع فردی که ازدواج می‌کند از سرانجام ازدواج خود نگران است بویژه اگر افراد دومین ازدواج خود را تجربه کنند، این بی‌اعتمادی بیشتر نمایان می‌شود. از آنجاییکه رابطه ناب در خانواده منوط به اعتماد متقابل است و اعتماد متقابل نیز به نوبه خود رابطه‌ای نزدیک با «صمیمت» دارد. در همین خصوص یکی از افراد چنین بیان می‌کند:

«بعضی خانم‌های بیوه یا مطلقه که بچه دارند ترجیح می‌دهند صیغه شوند و ازدواج رسمی نداشته باشند که شوهر وارد زندگی آنها نشود چون اصلاً نمی‌شه اطمینان کرد که وضعیت بچه‌ها چطور می‌شه، اصلاً بعضی خانم‌ها آگه از لحاظ اقتصادی مشکل

نداشته باشند به فکر ازدواج مجدد نمی‌افتند چون با ازدواج مجدد مسئولیت‌های زیادی پیدا می‌کنند و اصلاً هم معلوم نیست زندگی آنها ادامه داشته باشد چون بیشتر اینجور زندگی‌ها ناپایدار می‌شود.»

یا فرد دیگری می‌گوید:

«الان که جوان‌ها می‌خواهند ازدواج کنند اصلاً معلوم نیست چه وضعیتی پیش می‌آید و خانواده‌ها هر لحظه احساس می‌کنند ممکنه با یه مشکل زندگی بچه شون به هم بخوره.»

اعتماد متأملین به هم نیز در روابط خانوادگی کم شده یکی از پاسخگویان در این باره چنین می‌گوید:

«وقتی همسرم از خونه بیرون میره نمی‌دونم کجا میره و چیکار میکنه، هر لحظه به خودم می‌گم نکنه داره به من دروغ می‌گه و با یکی دیگه رابطه داره این فکرها مدام مثل خوره ذهن منو درگیر کرده.»

خانم شاغلی در چنین می‌گوید:

«سعی می‌کنم همه درآمد را شوهرم نفهمه و برای خودم پس اندازهایی داشته باشم اصلاً معلوم نیست تو این دوره زمونه چه اتفاقی میوفته باید برای روز مبادای خودم پس اندازی داشته باشم.»

از آنجایی که یکی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی شبکه‌ها و روابط متقابل میان افراد است و امروزه مردم زنجان با ضعف شبکه‌های اجتماعی و تحدید روابط اجتماعی و خویشاوندی مواجه شده‌اند، آن‌ها اعتقاد دارند که میزان و تراکم روابط خویشاوندی و خانوادگی آنها نسبت به گذشته کاهش و تحدید یافته است. چنانچه آنها اظهار می‌دارند روابط صمیمی و ارتباطات واقعی آنها نسبت به گذشته کمتر شده و تعلق اعضای خانواده به همدیگر و ضعف روابط عاطفی را در خانواده مشاهده می‌کنند.

«اکثر مراسم‌های گذشته برای دور هم جمع شدن بود بچه‌های قدیم اونقدر دور هم بودند که هوس از خانه بیرون رفتن نداشتند چون فامیل با هم ارتباط داشتند کمتر با دوستان و غریبه‌ها ارتباط برقرار می‌کردند ولی الان بچه‌ها رو به زور به خانه می‌آوریم و دوست دارند بیرون از خانه باشند.»

مصاحبه شونده‌ای می‌گوید:

«الان انگار ارتباط‌های درون خانواده‌ها یه خط موازی شده، امروزه عاطفه‌ها کمتر شده و بیشتر جوانان اینجوری هستند در واقع همون قدر که خانواده‌ها کوچک شدند علاقه‌ها هم کم شده در گذشته که موبایل و تلگرام و تلفن نبود روابط خانوادگی خیلی

صمیمی بود و بیشتر افراد کمک حال هم بودند.»

با ورود تکنولوژی و مدرن شدن زندگی مردم روابط خویشاوندی نیز از حالت صمیمی خود به حالت رقابتی و کمرنگ شدن ارتباطات خویشاوندی گراییده است در واقع شاهد تجدید روابط خویشاوندی در خانواده‌ها هستیم و ترجیح به کاهش روابط خویشاوندی، بی‌توجهی به مشکلات آنها و تعاملات مبتنی بر وظیفه و افزایش فاصله‌ها نمودی از این تغییرات است گر چه مقاومت‌هایی نیز در مقابل آن صورت می‌گیرد، با این وجود روابط مذکور کمرنگ‌تر شده است:

«در گذشته عمو و خاله و دایی همه جزو یک خانواده بودیم و مثل الان در خواهر و برادر خلاصه نمی‌شدیم، قبلاً حداقل دو روز یکبار خواهر و برادر همدیگر را می‌دیدند ولی الان برادر و خواهران آگه پدر و مادر زنده باشند در خانه آنها همدیگر را می‌بینند و گرنه ماه تا ماه همدیگر را نمی‌بینند. این روزها برای سر زدن به فرد خاصی از فامیل حتماً باید دلیل خاصی باشد و با وجود تلگرام و موبایل و تلفن خانواده‌ها فقط از احوال هم با خبر می‌شوند و انجام وظیفه می‌کنند.»

فرد دیگری اظهار می‌کند:

«درسته دل مشغولی‌ها زیاد شده ولی واقعاً توجه نمی‌شه کرد و روابط عاطفی کم شده و اولویت زندگی خود آدم مهم شده مثلاً آگه من ببینم خواهرم مشکل داره می‌گم اول زندگی خود من بعد زندگی خواهرم و جالب اینجاست این امر متقابل شده، الان طوری شده دیگه زیاد علاقه نداریم خونه فک و فامیل بریم حتی بچه‌ها هم اینطوری هستن مثلاً من خودم به عنوان عروس یه خانواده ترجیح میدم کمتر رفت و آمد کنم چون همش باید استرس بگیرم خونه ام مرتبط باشه یا چه غذایی تهیه کنم که مبادا اونها هم بخوان سر زده به خونه ما بیان.»

استمرار نسبی نابرابری جنسیتی

از آنجاییکه نابرابری‌های جنسیتی ناشی از عوامل ساختاری هستند گر چه به رغم تغییرات ایجاد شده در ساختار جامعه و خانواده نقش زنان و مردان در حال تغییر است اما اجماع نظر گسترده، ولی نه جهانشمول در خصوص برتری مردان بر زنان، همواره وجود دارد. گرچه زنان زنجان همواره نقش‌های خود را مورد بازاندیشی قرار داده‌اند و با افزایش آگاهی در سطح جامعه و تغییرات ایجاد شده نابرابری‌های جنسیتی کمرنگ گردیده اما هنوز در برخی موارد استمرار نسبی این نابرابری‌ها مشهود است.

گرچه بین مردم زنجان انتظارات نقش‌های سنتی با تغییرات زیادی مواجه بوده است ولی هنوز در برخی موارد تفکیک نقش‌های سنتی استمرار دارد:

«درسته که الان طوری شده اگر در امور خانه زنان کمک بخواهند مردان به آنها کمک می‌کنند ولی مساوی بودن آنها در همه چیز معنا ندارد اونوقت ازدواج معنا ندارد و باید در مواردی زن بعضی کارها را بکند و بعضی‌ها را مرد.»
یا فرد دیگری چنین اظهار می‌کند:

«اشتغال زن مانعی ندارد ولی وظیفه مرد است که نان آور خانه باشد، زن‌ها هم می‌توانند از لحاظ شغلی پیشرفت کنند ولی با حفظ وظایفی که از قدیم برای زنان وجود داشته، شاید در عمل نقش‌های زن‌ها و مردها تغییر کرده ولی ذهنیت‌ها به جوری هست که همه از زن‌ها انتظار دارند خانه‌داری بکند.»

از سوئی زنان شاغل نیز مدام با فشارهای نقشی مواجه هستند و نابرابری‌هایی را نیز در محیط کار تجربه می‌کنند خانمی در این خصوص بیان می‌کند:

«امروزه ظلم به زن‌ها پیشرفته‌تر شده آگه به زن‌های قدیمی تو جامعه مرد سالار از طریق خانواده و پدر و همسر و برادر فشار می‌آید الان به نوع دیگه شده در محیط کاری چند برابر ظلم از سوی مردان به زنان می‌شود چون در محیط کاری دهن به دهن مردها نمی‌شوند و عرف جامعه ایجاب می‌کند رعایت کند. زنان خانه‌دار در محیط خانه آنقدر فشار تحمل نمی‌کنند که زنان شاغل در بیرون تحمل می‌کنند، ولی زنان‌های شاغل بسیاری از فشارهای محیط کار را تحمل می‌کنند، زیرا دوست دارند استقلال داشته باشند.»

در برخی موارد نیز کنترل مردان به مالکیت زنان و درآمد آنان صورت می‌گیرد:

«خیلی از مردها دنبال زنان شاغل هستند که با آنها ازدواج کنند. البته با توجه به مشکلات اقتصادی نمی‌شه توقع نداشت، بعضی زن‌ها با اینکه شاغل هستند حتی اختیار در آمد خود را هم ندارند شوهرهایی هستند که به در آمد زن حساب و کتاب می‌کنند و می‌گویند فلان پول را چیکار کردی البته خیلی از خانم‌ها هم هستند که شوهرشان از در آمد آنها خبر نداره و ملک و املاکی برای خودشون دارند.»

نابرابری‌های اعمال شده به زنان تنها در حوزه نقش‌های خانوادگی و شغلی اعمال نمی‌شود بلکه در خصوص بسیاری از مسائل همچون طلاق و ازدواج مجدد آنها در جامعه شاهد استمرار نابرابری‌ها هستیم اگر چه نسبت به گذشته تغییرات بسیاری نیز به وقوع پیوسته است. برای مثال مردم زنجان معتقدند اگر زنان طلاق بگیرند، نگرش‌های عمومی جامعه نسبت به آنها تغییر می‌کند اگر چه نسبت به گذشته این نگرش با انعطاف بیشتری اعمال می‌شود اما همچنان پیامدهای منفی طلاق برای زنان بیشتر از مردان است و برای ازدواج مجدد با مشکلاتی مواجه هستند:

«در گذشته اکثر زن‌ها مشکلات زندگی را تحمل می‌کردند که کار به طلاق نکشد و آگه خانمی طلاق می‌گرفت از خونه بیرون نمی‌آمد ولی الان تازه خانم پر و بال می‌گیرد از طرفی زنی که طلاق گرفته باید مراقب رفتار خود باشد که نگویند داره دنبال شوهر می‌گرده چون الان همین که بفهمند زنی طلاق گرفته مردها سریع پیشنهادهای مختلف جنسی می‌دهند و مثل قبل امنیت نداره، برای ازدواج هم مردها زنی را که همسرش فوت کرده رو ترجیح می‌دهند تا اینکه طلاق گرفته باشه ولی خیلی از مردها را می‌بینیم که بعد طلاق با دختر مجرد هم ازدواج می‌کنند.»

خانواده‌ها اگر چه ازدواج مجدد افراد را پذیرفته‌اند اما آنچه مشهود است جامعه با ازدواج مجدد زنان هنوز کنار نیامده البته اگر چه در گذشته ازدواج مجدد زنان جوان بسیار مورد تاکید بود و خانواده‌ها برای حمایت از زنان جوان تنها اقدام می‌کردند اما در صورتیکه زنی مسن باشد و یا دارای فرزند باشد ترجیح عمومی بر عدم ازدواج و یا نگهداری از فرزندان است در این خصوص فردی چنین بیان می‌کند:

«در گذشته تصور می‌شد خانم‌هایی که همسر خود را از دست داده یا طلاق گرفته‌اند بهتر از مردان گلیم خود را از آب بیرون می‌کشند و مردان باید دوباره ازدواج کنند آگه زن جوان بود تحت نظارت والدین می‌توانست ازدواج کند یعنی یه جورهایی خانواده زود اون رو سرو سامان می‌داد ولی الان از زنانی که بچه دارند توقع می‌رود به خاطر فرزند ازدواج نکنند مخصوصاً آگه از لحاظ اقتصادی مشکلی نداشته باشند.»

یکی از مصاحبه‌گران در خصوص ازدواج مجدد زنان مسن چنین می‌گوید:
«هم قبلاً و هم الان برای آقایان مسن ازدواج مجدد را قبول دارند ولی برای خانم‌های مسن عیب می‌دانند، بچه‌های اون‌ها هم بیشتر راغب هستند برای پدر مسن خود همسر بگیرند تا مادرشان ازدواج کند.»

تضعیف ارزش‌های سنتی

ارزش‌های سنتی با ورود ارزش‌های جدید و مدرن تضعیف گردیده و ارزش‌های جمع‌گرایانه که لاجرم نیازمند نوعی فداکاری، از خودگذشتگی، خویشتن‌داری، مسئولیت‌پذیری و تن دادن به اشکال گوناگونی از محدودیت‌ها، به‌ویژه محدودیت‌های جسمانی، شهوانی و لذت‌های مادی است؛ تبدیل به ارزش‌های فردگرایانه گردیده است. امروزه بسیار می‌شنویم که معیار انتخاب همسر برای مردان زیبایی زن است. زیبایی بدون تردید همواره یک معیار مهم برای همسران بوده است، اما در گذشته، انتخاب همسر بر اساس مصلحت، هم کفو بودن و مجموعه‌ای از معیارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی صورت می‌گرفت.

یکی از مصاحبه شونده‌گان در این باره می‌گوید:

«قبلاً برای ازدواج به این فکر نمی‌کردیم که شخص خانه و ماشین داشته باشد بلکه داشتن در آمد ثابت کافی بود در گذشته ظاهر بینی کم بود و سالم بودن فرد و نزدیک بودن خانواده‌ها از خیلی جهات کافی بود ولی الان خانواده‌ها بیشتر به این توجه نمی‌کنند که از لحاظ فرهنگی خانواده‌ها با هم سازگار هستند یا نه فقط به مادیات توجه می‌کنند، جوان‌ها مخصوصاً پسرها هم که الان اکثراً دخترهایی رو که به خودشون رسیدن رو می‌خوان حتی پسرهای مؤمن هم از این تیپ دخترا خوششون می‌آید و بیشتر جوان‌ها به دنبال زیبایی ظاهری هستند.»

اگر چه تغییر و تحول در جامعه ایرانی به دهه‌ها قبل بر می‌گردد، اما آنچه در پدیده‌های اجتماعی امروزه قابل تأمل باشد تغییرات فرهنگی و ارزشی صورت گرفته در لایه‌های درونی خانواده‌ها همچنین آهنگ این تغییرات است که سرعتی بیشتر از قبل به خود گرفته است، مردم زنجان با رشد فردگرایی در جامعه مواجه شده‌اند، عدم تمایل به از خودگذشتگی، کاهش عواطف، منفعت‌طلبی در تصمیم‌گیری از جمله تغییرات ارزشی صورت گرفته در خانواده‌های زنجانی است. فردی چنین می‌گوید:

«من در تصمیم‌های زندگی اول منافع خودم را در نظر می‌گیرم اگر احساس نیاز به راهنمایی داشته باشم بعداً نظر دیگران را می‌پرسم، چون همه دوست دارند اول خودشون در رفاه باشند بعد به دیگران فکر می‌کنند.»

امروزه با افزایش تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی الگوی خانواده مرفه جایگزین الگوی خانواده سازگار شده است. آن‌ها اعتقاد دارند امروزه با افزایش تجمل‌گرایی در جامعه مواجهیم: «در گذشته هم تجملات در خانواده‌ها بود ولی نه به این شدت برنامه‌های تلویزیون و ماهواره باعث شده زندگی‌ها خیلی تجملاتی شون الان چشم وهمچشمی زیاد شده و همه تو هر مراسمی می‌خواهند دارایی‌های خود را به دیگران نمایش دهند قبلاً در مراسم طبقه پایین به تشریفات طبقه بالا نگاه نمی‌کرد ولی الان همه می‌خواهند مثل هم باشند. چون سادگی رفت و آمدهای گذشته نیست مردم سالی یکبار مهمانی می‌دهند ولی خیلی سعی می‌کنن خود نمایی کنند به خاطر همین ارتباطها کم شده البته اونجوری که می‌بینم خانم‌ها بیشتر به تجملات زندگی علاقه‌مندند. مثلاً دختر من می‌خواد ازدواج کنه می‌گه باید عروسی بگیرم که تو زنجان تک باشه.»

تفکر سودگرایی ناشی از عقلاتی شدن ابزاری در خانواده چنان است که حتی در فرزندآوری نیز عقلانیت و تفکر سودگرایانه مشاهده می‌شود و ارزش فرزندآوری که زمانی یکی از محوری‌ترین دلایل ازدواج در خانواده بود با تغییراتی مواجه گردیده است گر چه این تغییرات صورت گرفته

که بیشتر از سوی قشر جوان حمایت می‌شود با مقاومت نسل‌های گذشته همراه بوده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این خصوص چنین نظر می‌دهد:

«چون شرایط زندگی سخت شده و بچه آوردن هزینه‌های زیادی دارد من و همسرم ترجیح می‌دهیم بچه‌دار نشوند یا حداقل دیر بچه‌دار بشیم به نظرم می‌شه بدون فرزند هم خوشبخت بود، راستش الان زیاد حوصله بچه‌داری نداریم و دوست داریم بیشتر برای خود وقت بگذاریم چرا باید از خودم مایه بذارم یه جورایی باید از خواسته‌های خودم دست بکشم.»
در همین زمینه شاهدیم که بسیاری از ارزش‌های سنتی گذشته از بین رفته و شاهد عقلانی شدن باورها هستیم:

«من دیگه اعتقادات سنتی بدون تحقیق و خرافات را قبول ندارم یعنی اکثر جوان‌ها

قدیمی‌ها را امل حساب می‌کنند و افکار گذشتگان را قبول ندارند.»

از آنجاییکه بدن به مثابه کانونی برای تعامل و بازاندیشی فرد نسبت به خویشتن است و مدیریت بدن بویژه میان زنان بیشتر از مردان مشاهده می‌گردد، بنابراین ارزش سلامتی و زیبایی به عنوان یکی از ارزش‌های نوین بانوان زنجانی خود نمایی می‌کند. در واقع بانوان زنجانی می‌خواهند ظاهر خود را مطابق با الگوهای زیبایی که بیشتر از سوی رسانه‌های خارجی تبلیغ می‌شود تطبیق دهند و زیبایی یکی از ارزش‌های مهم آنهاست. چیزی که کمتر در میان مردان زنجان وجود دارد. خانمی چنین اظهار می‌کند:

«قدیم‌ها خانمی در ۴۰ سالگی مادر بزرگ و پیر زن به حساب می‌آمد ولی الان تبلیغات ماهواره این مطلب را می‌خواهد برسونه که زن‌ها به ظاهر خودشون اهمیت بدنند همین باعث شده افراد به زیبایی و سلامت خود ارزش قائل شوند. من به عنوان یک خانم سعی می‌کنم مدام به زیبایی و سلامتی خودم برسم آگه من سلامت نباشم خانواده هم افسرده می‌شن، تازه چرا باید خانم‌های دیگه جامعه زیبا باشند و من نباشم؟»

مقاومت

خانواده‌های زنجانی در برابر بسیاری از تغییراتی که در ارزش‌ها، ساختارها و کارکردهای خانواده صورت گرفته مقاومت می‌کنند و همه این تغییرات را به دید مثبت نمی‌بینند بویژه با توجه به اینکه اعتقادات مذهبی بین مردم شهر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است شاهد مقاومت‌هایی در این خصوص هستیم. حتی در بین جوانان نیز شاهد مقاومت با برخی شیوه‌های همسرگزینی می‌باشیم که از آن جمله می‌توان چنین بیان نمود که مردم زنجان از هر قشر و سنی با همبالینی مخالفت می‌ورزند و آنرا به عنوان شیوه‌ای از زندگی مورد تأیید قرار نمی‌دهند. یکی از جوانان چنین می‌گوید:

«از نظر دین و وجدان قابل قبول نیست که افراد بدون ازدواج با هم زندگی کنند، افرادی که بدون ازدواج با هم زندگی می‌کنند به چیزی نمی‌توانند پایبند باشند. من خودم به عنوان یه جوان اصلاً اینطور زندگی را ترجیح نمی‌دهم انگار آدم زندگی خودش را داره روی حساب می‌سازه.»

یکی از پدران چنین بیان می‌کند:

«من اجازه نمی‌دهم بچه‌ام بدون ازدواج با کسی زندگی کند، البته با نظارت خودم و آموزش‌هایی که به بچه‌ام می‌دهم قبول می‌کنم با فردی که خودش انتخاب کرده ازدواج کند ولی اینکه بدون عقد رسمی و مراسم بخواهد با کسی زندگی کنه هرگز. من با شناختی که از دخترم دارم ازدواج بدون عقد را قبول ندارم چون زن‌ها بیشتر ضربه می‌خورند. البته برای مردها هم فرقی نمی‌کنه افرادی که بدون ازدواج با هم زندگی می‌کنند به چیزی نمی‌توانند پایبند باشند و اینجوری که نمی‌شه زندگی تشکیل دادن.»

در واقع شاهد بازدارندگی اعتقادات از پذیرش روابط نامشروع نیز در جامعه هستیم.

«رابطه جنسی افراد شاید تو جامعه‌های دیگر مورد قبول است ولی ما در جامعه اسلامی زندگی می‌کنیم و این امر از لحاظ شرعی مورد قبول نیست، به نظرم دوستی‌های دختر و پسر زیاد شده ولی آگه با رعایت حد و حدود باشه اشکالی ندارد، متأسفانه قبلاً اعتقادات مذهبی مردم مانع خیانت بود ولی الان کمی فرق کرده.»

بیشتر مردم زنجان حتی جوانان از کم شدن روابط خانوادگی نگرانند و تلاش می‌کنند با ایجاد گروه‌های خویشاوندی در شبکه‌های مجازی نسبت به تحدید روابط خویشاوندی عکس‌العمل نشان دهند و بسیاری از جوانان تلاش می‌کنند والدین و نسل‌های گذشته را در این فضا دخیل نمایند. یکی از مصاحبه‌گران چنین می‌گوید:

«الان خیلی‌ها ترجیح می‌دهند بدون اینکه رو در رو باشند با اینترنت با هم تماس داشته باشند، ما تو تلگرام یه گروه خویشان درست کردیم، درسته الان مشغولیت‌های زندگی بالا رفته ولی خیلی بهتر از دو سه سال قبل شده که فامیل رو نمی‌دیدیم و از حال هم خبر نداشتیم اینجوری لااقل از احوال هم خبر دار شدیم و تونسته کمی مهربونی و عاطفه فامیلی رو برگردونه، مادر من نمی‌تونه از تلگرام استفاده کنه ولی اتفاقات و عکس‌هایی رو که اونجا فامیل می‌دارن رو بهش نشون می‌دم، کم کم اون هم دوست داره عضو بشه.»

مقاومت خانواده‌ها نسبت به عناصر مدرنیته و عقلانی شدن تصمیم‌گیری‌ها بویژه در میان نسل‌های گذشته بیشتر نمود پیدا می‌کند. آن‌ها نسبت به تعویق فرزندآوری جوانان و عقلانی شدن آن نگرانند:

«اگر سن پدر و مادر زیاد بالا برود فاصله سنی آنها با فرزندان زیاد می‌شود، به نظر من آگه

کسی بخواهد بچه‌ای داشته باشد بهتره اوایل زندگی باشه که سنش بالا نرفته چون تفاوت سنی با بچه مشکلاتی داره.»

در واقع خانواده گسترده به شکل قدیمی‌اش دیگر کمتر وجود دارد. ولی شاهد ظهور خانواده گسترده جدید در بین خانواده‌ها هستیم و شاهد حمایت پدران و مادران از دخترها و پسرهایشان هستیم. مثلاً دختری که ازدواج کرده، مادرش از بچه‌هایش نگهداری می‌کند. یا بسیاری مواقع زن و شوهر جوان، ناهار و شام را در خانه پدر و مادرهایشان می‌خورند. و بیشتر جوان‌ترها گرچه استقلال مکانی پیدا کرده‌اند ولی مکان زندگی خود را نزدیک خانه یکی از والدین انتخاب می‌کنند تا در صورت لزوم از حمایت‌های آنان بهره‌مند گردند. از سویی درست است که جوانان حمایت‌های سابق را از سالمندان ندارند اما هنوز سپردن والدین به خانه سالمندان امری مذموم به شماره می‌آید و اگر مشغله‌های زندگی‌شان زیاد باشد که توان رسیدگی به والدین را نداشته باشند، پرستار خصوصی را ترجیح می‌دهند و اگر مراقبت از آنها را در منزل خود مهیا نینند، فرزندان در منزل سالمند بصورت نوبتی از او مراقبت می‌کنند. یکی از افراد در این باره چنین اظهار می‌کند:

«درسته دیگه الان زندگی‌ها مثل گذشته نیست و دختر و پسرها دیگه تمایل ندارن مثل قبل با والدین زندگی کنند ولی دختر و پسر من نزدیک خونه ما منزل گرفتند چون خیلی وقت‌ها که کار دارند، من از بچه‌ها مراقبت می‌کنم اون‌ها هم یه وقت‌هایی به من کمک می‌کنند.»
و یا فرد دیگری چنین می‌گوید:

«قبلاً وجود خانه سالمندان و گذاشتن والدین آنجا عیب بود درسته الان تو شهرهای بزرگ جا افتاده ولی تو شهر ما کمتر کسی حاضر می‌شه پدر و مادر خودش رو به سالمندان ببره، اگر هم ببره به خانه سالمندان تهران می‌فرسته که خصوصی هم هست و بهتره. من مادرم پیر شده ولی براش پرستار گرفتم چون همسر و بچه‌های من و خواهر و برادرهام راضی نمی‌شن مادر پیرم را به خونه بیارم ولی ما با هم نوبتی قرار گذاشتیم هفته‌ای یکی دو بار پیشش می‌مونیم و پرستار هم که کل روز هست.»

بیشتر افراد مسن با سنت‌گرایی و گرایش به حفظ سنت‌ها خواهان مقابله با این تغییرات هستند فردی چنین بیان می‌کند:

«اکثر جوان‌ها قدیمی‌ها را امل حساب می‌کنند، ولی غیر مستقیم بعضی از روال قدیمی‌ها مثل طب سنتی و داروی سنتی را می‌خواهند به نظرم اون چیزهایی که با اصول و سنت هست حتی اگر غلط باشد بهتر است از اینکه هیچ اصول سنتی پشت اون نباشه.»

نتیجه‌گیری

این مقاله با استفاده از فنون مردم‌نگاری به عنوان راهبرد عملیاتی تحقیق و شیوه تحلیل موضوعی با دو رویکرد اتیک و امیک به مطالعه کیفی تجربه مردم زنجان از جهانی شدن پرداخت. از آنجاییکه جهانی شدن پیامدهای دوگانه‌ای بر ساختار و کارکردهای خانوادگی بر جای نهاده است، با ورود عناصر جهانی مردم به شیوه‌های متفاوتی با آن برخورد داشته‌اند. جهانی‌شدن، یا کوچک‌سازی جهان و ایجاد دهکده جهانی، تحولات مناطق گوناگون جهان را به سرعت به سایر نقاط منتقل کرده است، خانواده‌های زنجان نیز این تغییرات را البته نه به همان شدت، تجربه می‌کنند. رشد تکنولوژی‌های جدید ارتباطی به عنوان ابزار جهانی شدن، حیطة، سرعت و شدت ارتباط بین افراد را گسترش داده است، که باعث گسترش ارتباطات با افراد دیگر و نیز مقایسه اجتماعی می‌شود و با شیوه‌های نوینی از زندگی خانوادگی، همسرگزینی، ارزش‌ها و روابط که در محیط سنتی کمتر رواج داشته آشنا می‌شوند.

در این فرایند مردم زنجان همزمان با از دست دادن تعاملات سنتی و ارزش‌های سنتی و اعتقادی جامعه خود دچار نگرانی می‌شوند و تمامی تغییرات صورت گرفته را مثبت ارزیابی نمی‌کنند. گر چه همزمان با پذیرش تغییرات و درونی کردن ارزش‌های جدید برخی کارکردهای خانواده را مورد باز اندیشی قرار می‌دهند. از سویی بیشترین تغییرات صورت گرفته در خانواده‌ها متوجه زنان و نقش‌های آنها می‌گردد. زنان با باز اندیشی در هویت خود و نقش‌های اجتماعی‌شان موجب تحولات بسیاری در خانواده شدند. آن‌ها با تمایل به مشارکت اجتماعی و مقابله با مردسالاری باعث احقاق حقوق خود در جامعه شدند گر چه هنوز نابرابری نسبی در این خصوص هویدا است. مردم زنجان با قبول مشارکت اجتماعی زنان با دید مثبت‌تری پذیرای این تغییر شدند، اما از سویی مشارکت زنان را در کنار ایفای نقش‌های سنتی آنان خواهان هستند. گر چه در عمل شاهد تغییر در تفکیک نقشی در خانواده هستیم اما همچنان انتظارات نقش سنتی از زنان پا برجاست که در نهایت موجب فشار نقش و تعارض‌های نقشی فراوانی به زنان گردیده و در مواردی باعث افزایش طلاق و طلاق عاطفی شده است.

از سویی به تبع تغییر ارزشی و هنجاری جامعه، شاهد تغییرات ساختاری در خانواده هستیم بدین صورت که شیوه‌های همسرگزینی که زمانی بصورت تنظیم شده و سنتی بود شکل آزادانه‌تری به خود گرفته است و خانواده‌ها پذیرای انتخاب‌های جوانان با مشارکت و همفکری خانواده‌ها شده‌اند، که در جریان تغییر شیوه همسرگزینی ترجیح انتخاب همسر بصورت ترکیبی از خواست جوانان و والدین مد نظر بوده است که بیانگر مقاومت جامعه در برابر آزادی مطلق جوانان در انتخاب می‌باشد. از سویی هرم قدرت در خانواده از حالت عمودی به افقی تغییر یافته و شاهد مشارکت کلیه اعضا در تصمیم‌گیری‌ها، افزایش مالکیت زنان و... هستیم.

لذا از طریق تغییرات ارزشی و هنجاری ناشی از جهانی شدن، در اشکال سنتی خانواده تغییراتی ایجاد شده و با تغییرات فرهنگی گسترده از جمله فردگرایی زمینه‌های بسیاری را برای طلاق، کاهش باروری و تمایل رو به رشد عدم فرزندآوری بوجود آورده است. لذا تغییرات ارزشی ایجاد شده موجب ساختارشکنی شده و مردم با درک وضعیت موجود بر حفظ روابط خویشاوندی و تعاملی خود و حفظ اصول و اعتقادات تاکید دارند.

بنابراین جهانی شدن فقط نیروی خارجی نیست که بر ما اثر می‌گذارد بلکه ما نیز در آن سهیم هستیم و نسخه واحدی نیست و راه مواجهه با جهانی شدن در هر جامعه‌ای براساس پیشینه‌های تاریخی، اجتماعی و شرایط اقتصادی و ارزش‌های فرهنگی و مذهبی متفاوت از سایر جوامع است. بنابر این مقاومت فرهنگ‌محلی و خانواده‌های زنجان در برابر زوج زیستی، تجربه روابط جنسی قبل و بعد از ازدواج و داشتن رابطه جنسی خارج از ازدواج نمونه مقاومت فرهنگ محلی، بومی و مذهبی (خانواده زنجان) در برابر فشار جهانی شدن است.

در این میان تکنولوژی‌های ارتباطی به عنوان کاتالیزور روند این تحولات را تسریع بخشیده است گرچه تشدید روابط و مسافرت‌های خارجی و ارتباط با سایر کشورها نیز در این میان بی‌تأثیر نیست. اما رسانه‌های خارجی به عنوان ابزاری برای جهانی شدن، گرچه کارکردهای تخریبی را بر نهاد خانواده بر جای گذاشته و با تغییرات ارزشی، موجب تغییرات وسیعی در ساختار و کارکرد خانواده شده است، از سویی با آشنایی مردم از فرهنگ‌ها و جوامع و افزایش آگاهی‌های آنان، در گسترش خانواده دموکراتیک تأثیر گذار بوده است. لذا می‌توان با استفاده از نقش و نفوذ ارتباط مجازی در زندگی خانوادگی افراد، راه‌های جدید ایجاد انسجام خانواده را از این طریق بررسی نمود، همانگونه که مردم زنجان با ایجاد گروه‌های خویشاوندی در دنیای مجازی سعی در احیای تعاملات سنتی خود به شیوه نوین می‌نمایند.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶) *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*، انتشارات سمت.
- بهکیش، محمد مهدی (۱۳۸۱) *اقتصاد ایران در بستر جهانی* شدن، تهران: انتشارات نشر نی.
- تافلر، آلوین (۱۳۷۲) *موج سوم*، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران: نشر نو.
- ترنر، ب (۱۳۸۱) *شرق‌شناسی*، پست مدرنیسم و جهانی شدن، ترجمه غلامرضا کیانی و محمدرضا تاجیک، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک.
- جلایی پور، محمدرضا (۱۳۸۸) *چشم اندازه‌های جهانی*، تهران: طرح نو.
- چیل، دیوید (۱۳۸۸) *خانواده‌ها در دنیای امروز*، ترجمه محمد مهدی لیبی، تهران: افکار.
- رابرتسون، رونالد (۱۳۸۰) *جهانی شدن تئوری اجتماعی و فرهنگ جهانی*، ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر ثالث.
- ریتزر، جورج؛ گودمن، داگلاس جی (۱۳۹۳) *نظریه جامعه‌شناسی مدرن*، ترجمه خلیل میرزایی و عباس لطفی زاده، تهران: جامعه‌شناسان.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۹) *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، انتشارات سروش.
- سیدمن، استیون (۱۳۹۰) *کشاکش آراء در جامعه‌شناسی*، ترجمه هادی جلیلی، چاپ سوم: تهران، نی.
- شکر بیگی، عالیه (۱۳۹۰) *مدرن‌گرایی و سرمایه اجتماعی خانواده: درآمدی بر جامعه‌شناسی خانواده در ایران*، چاپ اول: تهران: جامعه‌شناسان.
- علی احمدی، امید؛ پور رضا کریم سرا، ناصر (۱۳۹۲) «تهدیدهای خانواده و تقابل سنت و مدرنیسم»، *کتاب ماه علوم اجتماعی*، شماره ۶۴، ص ۱۲-۲۱.
- عنایت، حلیمه و مجید موحد (۱۳۸۲) «زنان و تحولات خانواده در عصر جهانی شدن»، *پژوهش زنان: فصلنامه مرکز مطالعات زنان دانشگاه تهران*، دوره ۲، شماره ۱۵۳، ۱۶۶-۱۵۳.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰) *عصر اطلاعات؛ قدرت هویت*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴) *پیامدهای مدرنیته*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲) *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ دهم، تهران: نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹) *جهان رها شده*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، نو.
- لیبی، محمد مهدی (۱۳۹۳) *خانواده در قرن بیست و یکم*، تهران: نشر علم.
- محمد پور، احمد (۱۳۹۲) *روش تحقیق کیفی: ضد روش ۲*، انتشارات جامعه‌شناسان.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (دفتر طرح ملی) (۱۳۸۰) *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج اول)*؛ یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور، ویرایش اول، انتشارات طرح پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها.
- Adkins, L. (2002). Reflexivity and Politics of Qualitative Research. In Time. May, (ed). Qualitative Research in Action. London: Sage Publications.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using Thematic Analysis in Psychology. *Qualitative Research in Psychology*, Vol. 3, No. 2, Pp. 77-101.

- Beck- Gernsheim, E. (2002). German Orig.(1998). Reinventing the Family in Search of New Lifestyle. Cambridge: Polity Press.
- Corbin, J. & Anselm, S. (2008). Basis of Qualitative Research.Third Edition, London: Sage Publications.
- Feldman, M. S. (1995). Strategies for Interpreting Qualitative Data. London: Sage Publications Ltd.
- Hamersley, m. & Atkinson, P. (1995). Ethnography: Principles in Practice. First Edition, London: Rutledg-
- Kiernan,K. (2004). Changing European Families: Trends and Issues. in J. Scott, J. Treas and M. Richards (eds.) The Blackwell Companion to the Sociology of Families, pp.17-33.
- Patton,M. (2001). Qualitative Research & Evaluation Methods. London: Sage Publications Ltd.
- Merriam, S. B. (2002). Qualitative Research in Practic: Example for Discussion and Analysis, First Edition, Jpssey-Bass.
- Neuman, L. (2006). Social Research Methods: Quantitative and Qualitative Approaches.Third Edition. London, Alleyn and Bacon.